


Fakhr al-Dīn al-Rāzī and the Concept of *Ṣarfā* A Critical Study of His Dual Engagement

Ali Akbar Kalantari 

Associate Professor of Quranic and Hadith Sciences,
Shiraz University, Shiraz, Iran
(corresponding author: aak1341@gmail.com).

Yusuf Farshadnia 

PhD Student in Quranic and Hadith Sciences, Shiraz University,
Shiraz, Iran (Email: farshadnia.yusuf@gmail.com).



Abstract

The aspects of the miraculous nature of the Quran are among the contentious issues among commentators. Some believe in intrinsic miracles such as eloquence, while others believe in extrinsic miracles such as 'sarfe' (divine intervention preventing imitation). Fakhr al-Din al-Rāzī (d. 606 AH) emphasizes the eloquence of the Quran as a miraculous aspect. However, in his *Tafsīr al-Kabīr*, while emphasizing this intrinsic aspect of the miracle, he implicitly accepts the theory of 'sarfe'. On the other hand, in his book *Nihāyat al-I'jāz*, he rejects *Ṣarfē* with three arguments, displaying a kind of dual confrontation that this article analytically attempts to examine. The first reason supporting the hypothesis of al-Rāzī's acceptance of 'sarfe' is the editorial, not authorial, nature of the book *Nihāyat al-I'jāz*, which is a combination of two books, *Dala'il al-I'jāz* and *Asrār al-Balāgha* by al-Jurjānī (d. 474 AH), compiled before *Tafsīr al-Kabīr*. The arguments against 'sarfaḥ' bear a great resemblance to al-Jurjānī's arguments in *Dala'il al-I'jāz*. The second reason is the content analysis of phrases from *Tafsīr al-Kabīr*, where al-Rāzī implicitly accepts *Ṣarfē* in at least two instances and ultimately, explicitly, after attributing it to theologians and acknowledging its lack of corruption, accepts eloquence and *Ṣarfē* as aspects of the Quran's miraculous nature.

Keywords: *I'jāz al-Qur'ān*, *Ṣarfā*, Fakhr al-Dīn al-Rāzī, *Mafātīḥ al-Ghayb*, *Nihāya al-I'jāz fi Dirāya al-I'jāz*.

Promotional article

Received: 6/ 5/ 2024, accepted: 20/ 7/ 2024, and published: 20/ 7/ 2024, Pages: 301-318.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 doi: 10.22034/naghdeara.2024.455694.1203

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



رویارویی دوگانه فخر رازی با نظریه صرفه

علی اکبر کلانتری ^{ID}

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
(نویسنده مسئول: aak1341@gmail.com).

یوسف فرشادنیا ^{ID}

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
(ایمیل: farshadnia.yusuf@gmail.com).

چکیده

وجوه اعجاز قرآن از مسائل مورد اختلاف مفسران است؛ به گونه‌ای که برخی به اعجاز ذاتی نظیر فصاحت و عده‌ای به اعجاز عرضی هم‌چون صرفه باور دارند. فخر رازی (درگذشته ۶۰۶ ق) فصاحت قرآن را به‌عنوان وجه اعجاز مورد تأکید قرار می‌دهد. باین حال، در تفسیر کبیر ضمن تأکید به این جنبه از اعجاز ذاتی، نظریه صرفه را به‌گونه تلویحی می‌پذیرد. از سویی در کتاب *نهایة الإیجاز* با سه دلیل صرفه را رد کرده است که نوعی از رویارویی دوگانه را به نمایش می‌گذارد که نوشتار حاضر به شیوه تحلیلی می‌کوشد، این مواجهه دوگانه را تحلیل کند. دلیل اول در تقویت فرضیه پذیرش صرفه توسط فخر رازی، ماهیت تدوینی و نه تألیفی کتاب *نهایة الإیجاز* به‌عنوان آمیزه‌ای از دو کتاب *دلائل الإعجاز* و *أسرار البلاغه* جرجانی (درگذشته ۴۷۴ ق) که تدوین آن پیش از *التفسیر الکبیر* است. چه این که دلائل رد صرفه مشابهت فراوانی با دلائل جرجانی در کتاب *دلائل الإعجاز* دارد. دومین دلیل را با تحلیل محتوای عبارت‌هایی از *التفسیر الکبیر* می‌توان جست. فخر رازی دست‌کم در دو مورد صرفه را تلویحی پذیرفته است و در نهایت نیز بعد از انتساب آن به متکلمان و اذعان عاری از فساد بودن، فصاحت و صرفه را به‌عنوان وجوه اعجاز قرآن می‌پذیرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، وجوه اعجاز، نظریه صرفه، فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، *نهایة الإیجاز*.

مقاله ترویجی

دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۷، پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۳۰، نشر: ۱۴۰۳/۴/۳۰، صفحه ۳۰۱ تا ۳۱۸.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

doi: 10.22034/naghdeara.2024.455694.1203

درآمد

قرآن به‌عنوان آخرین کتاب وحیانی و معجزه پیامبر خاتم (ص) همواره از جنبه‌های گوناگونی مورد تأمل و اندیشه قرار گرفته است. از موارد بررسی این کتاب الهی، مقوله معجزه و جنبه‌های اعجاز است. از سویی نخستین مرحله از مباحث اعجاز قرآن، در آثار مفسران، متکلمان و ادیبان یافت می‌شود که معتقد بودند قرآن نشانه و برهانی بر رسالت پیامبر (ص) است (برای تفصیل بحث، بنگرید به: مؤدب، اعجاز قرآن...، ۹).

چنانچه به جهات مؤثر در تحقق اعجاز قرآن، وجوه اعجاز قرآن گفته شود در یک دسته‌بندی می‌توان اعجاز قرآن را از دو سنخ اعجاز درونی یا ذاتی، و اعجاز بیرونی یا عارضی دانست. بسیاری از مفسران و متکلمان معتقدند که اعجاز قرآن امری درونی و برخاسته از ویژگی‌های ذاتی آن است. این ویژگی‌ها نیز در یک تقسیم اولیه به اعجاز لفظی قرآن و اعجاز معنایی قرآن منقسم می‌گردد (جواهری، اعجاز و تحدی، ۸۵).

از جمله نظریه‌ها درباره مصادیق اعجاز بیرونی یا عارضی قرآن می‌توان به نظریه صَرفه اشاره نمود که مخالفان و موافقانی دارد. برپایه این نظریه، اگر معاندان پیامبر (ص) و مخالفان قرآن می‌خواستند کتابی هم‌چون قرآن بیاورند برای‌شان امکان‌پذیر بود؛ اما خداوند ایشان را از اقدام در این مسیر منصرف کرد. فخر رازی از مفسران برجسته اهل سنت برخوردار دوگانه‌ای درباره نظریه صرفه ابراز داشته که مطالعه کنونی با هدف تحلیل این رویارویی دوگانه تدوین شده است.

طرح مسئله

بر اساس قول مشهور، نخستین شخصی که قائل به صرفه شده، ابراهیم بن سيار نظام معتزلی از متکلمان سده ۳ق (درگذشته حدود ۲۲۱ق) است. سیوطی (درگذشته ۹۱۱ق) درباره دیدگاه وی بیان می‌دارد که امکان آوردن مثل قرآن در حالت عادی برای افراد بشر امکان‌پذیر، اما خداوند، به صورتی اعجازگونه، معارضان را که می‌خواهند مثل آن را بیاورند ناتوان کرده است (سیوطی، الإیتقان، ۷/۴). این نظریه علی‌رغم داشتن موافقانی نظیر سید مرتضی (بنگرید به: سید مرتضی، الموضح، ۳۶) با مخالفان فراوانی نیز همراه است. از دلایل برخی مخالفان، صریح آیه «قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ

بِمَثَلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (اسراء/ ۸۸) است که نشان از عجز این دو گروه علی‌رغم بقای قدرت آنان است (بنگرید به: سیوطی، *الإِتقان*، ۷/۴).

بررسی نظریه صرفه از این جهت اهمیت دارد که اثبات آن می‌تواند بر اعجاز درونی و محتوایی *قرآن* خدشه وارد کند و دلیل آن این است که با فرض صرفه، دیگر معنا ندارد که الفاظ *قرآن* را از لحاظ فصاحت و بلاغت، فوق توان بشری بدانیم، یا برای آن اعجاز محتوایی قائل شویم. فخر رازی (درگذشته ۶۰۶ق)، فقیه شافعی، دانشمند علوم منقول و معقول و صاحب *التفسیر الکبیر* دربارهٔ وجوه اعجاز *قرآن*، بر فصاحت *قرآن* تأکید دارد. نظر فخر رازی دربارهٔ نظریه صرفه آنگاه محل تأمل است که در *التفسیر الکبیر* این نظریه را پذیرفته اما در اثر دیگرش یعنی *نهایة الإیجاز فی درایة الإعجاز* نظریه مذکور را رد نموده است.

درخصوص نظریه صرفه پژوهش‌های مختلفی انجام پذیرفته است. اما متناسب با موضوع پژوهش حاضر به چند اثر علمی اشاره می‌کنیم. مؤدب (۱۳۷۹ش) در کتابی با عنوان *اعجاز قرآن* در نظر اهل بیت عصمت (ع) و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام به آراء فخر رازی در بخش عالمان بزرگ اهل سنت پرداخته است. ایشان نظرات فخر رازی در حوزه اعجاز را تنها از *التفسیر الکبیر* بیان نموده و اشاره‌ای به کتاب *نهایة الإیجاز* نکرده است.

جواهری (۱۳۹۱ش) در مقاله «بازخوانی نظریه صرفه» به نتایجی نظیر عدم پشتوانه علمی داشتن نظریه صرفه و عدم توجه موافقان به دلایل مخالفان (اعجاز بیانی با ارائه گزارش‌های تاریخی و روایی) اشاره نموده است. مولایی‌نیا و سلیمانی (۱۳۹۷ش) در مقاله «بررسی نظریه صرفه در آثار فریقین» ضمن داشتن یافته‌هایی هم‌چون نداشتن دلیل عقلی و نقلی قابل‌اعتنا، مغفول ماندن جامعیت، اتقان، خطاناپذیری، هدفمندی، انسجام ساختاری و درونی، ابعاد هدایتی - تربیتی، اخبار غیبی به دیدگاه فخر رازی اشاره‌ای نشده است.

در مقاله عالی‌پور و همکاران (۱۳۹۸ش) تحت عنوان «اختلاف و اشتراک نظرات فخر رازی و علامه طباطبایی دربارهٔ اعجاز *قرآن*» بیشتر به مسئله وحی و عصمت از دیدگاه دو اندیشمند اشاره شده که در نتایج نیز به اشتراک و اختلاف وجوه اعجاز *قرآن* اشاره نشده است. در مقاله فوق نظر فخر رازی مبنی بر رد نظریه صرفه اشاره شده است اما از جهت تحلیل نسبت به مقاله حاضر تفاوت‌هایی دارد از جمله این‌که در این نوشتار به رویارویی دوگانه فخر رازی در پذیرش صرفه در دو کتاب *التفسیر الکبیر* و *نهایة الإیجاز* پرداخته و موردارزیابی قرار گرفته

است. از این جهت نوشتار حاضر می‌کوشد به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد: اولاً، وجوه اعجاز قرآن از نظر فخر رازی چیست؛ ثانیاً، دیدگاه فخر رازی درباره نظریه صرفه چیست؛ و ثالثاً، چه اندازه دیدگاه فخر رازی درباره صرفه از انسجام درونی برخوردار است.

۱. وجوه اعجاز قرآن از دیدگاه فخر رازی

فخر رازی در *التفسیر الکبیر* و ذیل تفسیر آیات بیست سوم و بیست چهارم از سوره بقره، به بحث اعجاز می‌پردازد. در قرآن، آیه بیست و سوم، بحث از معجزه بودن قرآن و تحدی این گونه بیان می‌شود: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره/۲۳).

فخر رازی نبوت پیامبر (ص) را مبتنی بر معجزه بودن قرآن دانسته و از این جهت در پی بیان دلایل اعجاز شده است. وی در یک حصر، دوراه را برای اثبات اعجاز قرآن ترسیم می‌کند. راه اول از طریق مقایسه کلام الهی با کلام بشر و فصحا و تعیین سطح و نسبت آن و راه دوم بودن یا نبودن در اوج فصاحت و بلاغت این کتاب آسمانی است (فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۱/۲۱۰۶).

فخر رازی، طریق دوم یعنی حصر از راه اوج فصاحتی را مناسب‌تر می‌داند و بر این باور است که در هنگام مقایسه قرآن با دیگر کتب و خطبه‌ها، برتری فصاحت و بلاغت قرآن مورد قبول است، زیرا فصاحت عرب در حد امور عادی بوده و لکن فصاحت قرآن در حد اعلی و در نهایت است. از آنجایی که نظر موافق فخر رازی طبق اذعان وی، طریق دوم است، وجوه اعجاز قرآن را با تحلیل طریق دوم از دیدگاه ایشان پی خواهیم گرفت هر چند به فراخور تحلیل از آموزه‌های مورد قبول فخر رازی در طریق اول نیز استفاده می‌شود.

۱-۱) در اوج فصاحت بودن قرآن

تکیه فخر رازی در اعجاز بر فصاحت است؛ به‌گونه‌ای که وی به وجه دیگری از اعجاز قرآن اشاره‌ای نمی‌کند. با این حال، وی در ذیل عنوان فصاحت و در تبیین راه اول با بیان هفت شاخصه که از نظر وی مقتضای کاستی فصاحت است هم‌چنان قرآن را معجزه می‌داند. جهت فهم بهتر فصاحت نظری به مفهوم آن در لغت می‌کنیم. در معنای واژه فصاحت در کتاب *العین* به معانی خلوص و محض بودن، کلام بلیغ و هم‌چنین کلام معرب اشاره شده است (خلیل بن

احمد، العین، ۳/ ۱۲۱). ابن‌دُرید معانی هم‌چون نفس کلام و زبان عربی و سخن گفتن به عربی، خالص کردن و روشنایی و آشکار شدن را در معنای فصیح آورده است (ابن‌دُرید، *جمهرة اللغة*، ۱/ ۵۴۲).

جوهری به کلام بلیغ و خالص (طَلَّقَ) (جوهری، *الصحاح*، ۱/ ۳۹۱) و راغب اصفهانی به معنای خلوص (راغب اصفهانی، *المفردات*، ۶۳۷) اشاره کرده‌اند. در *لسان العرب*، به معنای لغوی خالص، بلیغ و معنای اصطلاحی فهم سخن کودک تازه لب به سخن گشوده و آشکار کردن شی و پرده برداشتن از آن اشاره شده است (ابن‌منظور، *لسان العرب*، ۲/ ۵۴۴).

در *قرآن*، تنها در یک مورد به ریشهٔ فصیح اشاره شده است: «وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ» (قصص/ ۳۴). مطابق کلام مفسران، أَفْصَحُ، بلیغ و زبان‌آوری (جرجانی، *جلاء الأذهان*، ۷/ ۱۷۷)، سخن‌گذاری (کاشانی، *تفسیر منهج الصادقین*، ۷/ ۷۶)، بیان روان و رسا (سبحانی، *منشور جاوید*، ۱۳/ ۲۶۲؛ قرآنی، *تفسیر نور*، ۷/ ۵) تبیین شده است. هم‌چنین فصاحت، بازگشت به کیفیت الفاظ و بلاغت ناظر به کیفیت معنا و محتوی دانسته شده است و به تعبیر دیگر فصاحت به جنبه‌های صوری و ظاهری کلام می‌نگرد، و بلاغت به جنبه‌های معنوی و محتوایی (مکارم شیرازی، *پیام قرآن*، ۸/ ۱۲۰). وی در کتاب *نهایة الإيجاز* نیز در فصل اول تحت عنوان «فی أنَّ القرآن معجز و أنَّ الإعجاز فی فصاحتِهِ» به این مسئله پرداخته است (بنگرید به: فخر رازی، *نهایة الإيجاز*، ۲۶).

۲-۱) وجوه دیگر اعجاز قرآن از نگاه فخر رازی

در *التفسیر الکبیر*، مشاهده می‌شود که فخر رازی در تبیین اعجاز *قرآن* مطابق راه حصری اول، *قرآن* را با وجود چند شاخصه که به نظر وی موجب کاستی فصاحت آن می‌شود، اما هم‌چنان *قرآن*، معجزه است. هفت شاخصه عبارتند از عدم توصیف مشاهدات، مراعات و التزام به صدق و راستی، عمومیت فصاحت *قرآن*، تکرار عبارات *قرآن*، اهتمام *قرآن* در تبیین واجبات و اموری از این دست، جامعیت *قرآن* و تبیین‌گری در حوزه‌های گوناگون، و مصدریت علوم مختلف (بنگرید به: فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۲/ ۱۰۶، ۱۰۷).

پرسش قابل طرح در این بخش آن است که آیا این موارد هفت‌گانه همه به فصاحت *قرآن* مرتبط است؟ آیا جامعیت *قرآن* و مصدریت علوم، ارتباطی به وجه اعجازی فصاحت دارد؟ آیا

این موارد از وجوه دیگری از اعجاز قرآن حکایت نمی‌کند؟ به نظر می‌رسد فخر رازی علی‌رغم بیان موارد هفت‌گانه به‌عنوان عوامل کاستی فصاحت قرآن به وجوه دیگری از اعجاز قرآن اذعان می‌کند که برخی از این شاخصه‌ها محل تأمل است که نوشتار مستقلى را می‌طلبد. هم‌چنین از جمله موارد مورد پذیرش تلویحی فخر رازی با نظر به طریق دوم، «نظریه صرفه» است.

با نظری به تاریخ قول به صرفه مشخص می‌شود که بیشتر قائلان و طرفداران نظریه صرفه در سده‌های سوم تا پنجم قمری زندگی می‌کردند (بنگرید به: قاضی‌زاده، «نگرشی بر نظریه صرفه»، ۴۱). نظام معتزلی مطابق باور متقدمانی نظیر جاحظ (درگذشته ۲۵۵ق)، ابوالحسن اشعری (درگذشته ۳۲۴ق) و عبدالقاهر جرجانی (درگذشته ۴۷۱ق) اولین شخص قائل به این نظریه است. برای نمونه اشعری در *مقالات الإسلامیین* اخبار از غیب را وجه مورد پذیرش نظام درباره اعجاز قرآن بیان و در ادامه از دیدگاه نظام چنین بیان می‌دارد که تألیف و نظم موجود در قرآن امری ممکن برای بندگان از جهت همانندآوری بوده هر چند خداوند این توان را از بندگان سلب کرده است (اشعری، *مقالات الإسلامیین*، ۲۲۵).

به‌طور کلی و بنابر گفته علوی یمنی صاحب *الطراز* و از دانشمندان شیعی در علم بلاغت با سه معنا در مفهوم «صرفه» مواجه هستیم: یکی سلب انگیزه و محرک برای مقابله با قرآن، دیگری، سلب علوم و معارفی پیش نیاز مقابله با قرآن، و سوم، این‌که علی‌رغم وجود علوم، معارف و هم‌چنین انگیزه در معاندان، منع جبری و قهری خدا مانع مقابله بشر با قرآن می‌شود (علوی، *الطراز*، ۳/ ۲۱۸). در هر صورت، مطابق مذهب صرفه، خداوند با قدرت قهری مانع همانندآوری از سوی انسان و معارضان می‌شود (بنگرید به: سید مرتضی، *الموضح*، ۳۶؛ سید مرتضی، *الذخیره*، ۳۸۰؛ ابوصلاح حلبی، *تقریب المعارف*، ۱۶۰؛ خفاجی، *سر الفصاحه*، ۲۲۵؛ راغب اصفهانی، *التفسیر*، ۱/ ۴۴؛ سلطان، *اعجاز القرآن...*، ۲۱۴).

۲. دوگانگی روی‌کرد فخر رازی

فخر رازی در *التفسیر الکبیر*، ضمن ارائه دو راه‌کار حصری در تبیین اعجاز قرآن که پیش‌تر بیان شد، طریق دوم را به درستی و صحت دیدگاهش نزدیک می‌داند.

۲-۱) موافقت با نظریه صرفه

مطابق گفتار فخر رازی در راه‌کار تبیینی دوم که به گفته وی به درستی درباره اعجاز قرآن

نزدیک است، در دو حالت، قرآن می‌توان به‌عنوان معجزه تلقی شود: اولاً، در اوج فصاحت که در حد اعجاز است؛ و ثانیاً، در اوج فصاحت نبودن، اما در حد اعجاز بودن (فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۲ / ۱۰۷). قابل ذکر است که طریق دوم یعنی این که قرآن در اوج فصاحت است یا نیست و اگر نیست پس عدم‌اتیان خود امری خارق‌العاده است. این شکل با نظریه صرفه سازگاری دارد (مؤدب، *اعجاز قرآن*، ۱۰۷) که فخر رازی در کل، موافقت خود را با طریق دوم اعلام نموده است.

هم‌چنین وی در تفسیرش نیز به پذیرش طریق دوم و هم‌چنین نظریه صرفه به‌طور تلویحی اذعان نموده است (فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۲۱ / ۴۶). این در حالی است که فخر رازی در کتاب *نهایة الإیجاز* با سه دلیل، نظریه صرفه را رد کرده است (فخر رازی، *نهایة الإیجاز*، ۲۶، ۲۷). بنابراین فخر رازی در *التفسیر الکبیر* نوعی موافقت خود را با نظریه صرفه اعلام می‌دارد اما در کتاب *نهایة الإیجاز* در فصل اول، آن زمان که اقوال مختلف درباره اعجاز قرآن را بیان می‌کند، نظریه صرفه را به نظام منتسب و با سه دلیل و به صراحت آن را رد می‌کند. اما براستی این برخورد دوگانه فخر در قول به صرفه به چه علت است؟

کتاب *نهایة الإیجاز* بنابر بر قول فخر رازی حاصل آمیختگی خاص دو کتاب *دلایل الإعجاز* و *أسرار البلاغه* عبدالقاهر جرجانی بوده (بنگرید به: فخر رازی، *نهایة الإیجاز*، ۱۰) که پیش از *التفسیر الکبیر* نگاشته شده است به‌گونه‌ای که فخر رازی در تفسیرش به آن کتاب اشاره می‌کند. وی ابتدا قول به صرفه را از نظر نظام بیان کرده و سپس با سه دلیل نظریه مذکور را به چالش کشانده است.

مطابق گفته نظام که فخر رازی آورده، قرآن به‌عنوان حجت برای نبوت پیامبر (ص) نازل شده است؛ بل که قرآن مانند سایر کتاب‌های آسمانی برای بیان احکام حلال و حرام فرستاده شده است و عرب از این جهت با آن معارضه نکرده‌اند که خداوند آن‌ها را از همانندآوری و دانش مربوط به آن منصرف کرده است (فخر رازی، *نهایة الإیجاز*، ۲۶).

شایان ذکر است که در کتاب *نهایة الإیجاز* از قول نظام به کلمه دانش (علوّمهم) اشاره شده است: «والعرب إنّما لم يعارضوه، لأن الله تعالى صرّفهم عن ذلك و سلب علوّمهم به» (فخر رازی، همان‌جا)؛ حال آن‌که سیوطی به نقل از نظام در *الإتقان* واژه «عقولهم» را بیان می‌کند: «أَنَّ اللَّهَ صَرَفَ الْعَرَبَ عَنِ مُعَارَضَتِهِ وَسَلَبَ عُقُولَهُمْ» (سیوطی، *الإتقان*، ۴ / ۷). با این حال، در

ادله رد فخر رازی درباره نظریه صرفه، مسئله عقل و زوال آن مطرح شده که به نظر می‌رسد نقل سیوطی به صواب نزدیک‌تر است.

۲-۲) مخالفت با نظریه صرفه

بر پایه دیدگاه فخر رازی در کتاب *نهایة الإیجاز* می‌توان سه دلیل در رد قول به صرفه اقامه کرد. نخست این که مطابق دلیل اول فخر رازی، صرفه از این جهت باطل است که اگر خداوند بعد از نزول *قرآن*، عرب را از همانندآوری علی‌رغم توانایی‌شان عاجز کرده است، آنچه باید اتفاق می‌افتاد، شگفتی آن‌ها از پیش آمد عجز و ناتوانی‌شان بود حال آن‌که آن‌ها از فصاحت *قرآن* به شگفتی و تعجب آمده بودند. وی در این زمینه مثالی می‌آورد که اگر پیامبری معجزه‌اش آن باشد که در ساعتی خاص دستش را بالای سرش قرار می‌دهد و در همان ساعت مردم از آن کار عاجز می‌شدند، تعجب مردم نه از فعل آن پیامبر که از ناتوانی آن‌ها از قرار دادن دست‌شان بر سرشان در آن ساعت خاص است؛ فعلی که در تمام ساعات غیر از آن ساعت برای آنان مقدور است (فخر رازی، *نهایة الإیجاز*، ۲۶-۲۷).

فخر رازی بر پایه دلیل دوم بیان می‌دارد که اگر کلام عرب آن زمان از جهت فصاحت به *قرآن* نزدیک بود، لازم می‌آمد که بین کلام آن‌ها قبل و بعد از تحدی، تفاوتی پیدا می‌کرد که اینگونه گزارش نشده، بنابراین نظریه صرفه باطل است (فخر رازی، *نهایة الإیجاز*، ۲۷). فخر رازی در ارائه دلیل سوم، مبنی بر سلب قدرت و نسیان جهت عدم همانندآوری، چنین بیان می‌دارد، دانش اعراب جهت معارضه چنان‌چه در معرض فراموشی قهری قرار می‌گرفت، ناچار به زوال عقل می‌انجامید، حال آن‌که، عقل مردم آن زمان و مخاطبان تحدی زایل نگشت (همان‌جا).

مشاهده می‌شود که دلیل اول فخر رازی در رد صرفه مستند به بداهت عقلی و دو دلیل دیگر وی مستند به شواهد تاریخی است. همان‌گونه که در اقسام نظریه صرفه گذشت، دلایل ذکر شده مربوط به قسم سوم است یعنی علی‌رغم وجود علوم، معارف و هم‌چنین انگیزه اما منع جبری و قهری توسط خداوند مانع مقابله با *قرآن* از سوی بشر می‌شود (علوی، *الطراز*، ۱۳/۲۱۸) که فخر رازی در کتاب *نهایة الإیجاز* به نقد و رد آن پرداخته است.

فخر رازی در جلد بیست و هشتم قول به اوج فصاحت *قرآن* و معجزه بودن آن از این طریق

را به اکثر اهل سنت نسبت می‌دهد و هنگامی که به نظریه صرفه می‌رسد آن را نظر متکلمین می‌داند (فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۲۸ / ۲۲۲). مطابق دیدگاه وی، صرفه که باور متکلمان است، خالی از فساد بوده و هر دو وجه (فصاحت و صرفه) به معجزه بودن قرآن رهنمون می‌کند (همان‌جا).

۳. تحلیل رویارویی دوگانه فخر در نظریه صرفه

پیش از فخر رازی و همانند کلام وی در تفسیر راغب اصفهانی دیده می‌شود که وی برای بیان اعجاز قرآن به فصاحت و قول به صرفه قائل شده است: «قد ذکر فی القرآن علی وجهین: أحدهما: إعجاز متعلق بفصاحة، والثانی: بصرف الناس عن معارضة» (راغب اصفهانی، *التفسیر*، ۱ / ۴۴). البته، راغب اصفهانی در مقوله فصاحت بر نظم مخصوص تکیه می‌کند و معتقد است که چنین نظمی در سایر کلام یافت نمی‌شود. هم‌چنین راغب در تبیین قول صرفه در نهایت به قسمی از صرفه اشاره می‌کند که مخالفان علی‌رغم داشتن اراده جهت همانندآوری، اما به صورت قهری از چنین معارضه‌ای منع شده‌اند (راغب اصفهانی، *التفسیر*، ۱ / ۴۶).

۱-۳) ضرورت بازجستن نظر نهایی فخر رازی در تفسیر وی

به نظر می‌رسد نظر نهایی فخر رازی درباره صرفه به دو دلیل در *تفسیر الکبیر* نهفته است. دلیل اول به جهت ماهیت کتاب *نهاية الإيجاز* است که حاصل آمیختگی دو کتاب عبدالقاهر جرجانی یعنی *دلائل الإعجاز* و *أسرار البلاغة* است. با تأمل در کتاب *دلائل الإعجاز* مشاهده می‌شود که بیان جرجانی در رد نظریه صرفه به همان شکل در کتاب *نهاية الإيجاز* آمده است. برای نمونه، دلیل اول فخر رازی از جهت متن و عبارت به همان شکل در کتاب جرجانی بیان شده است.

بیان جرجانی در تقریر نظریه صرفه چنین است که بنابر گفتار قائلان به صرفه علت عدم همانندآوری معارضان به جهت اعجاز ذاتی قرآن نیست بل که به جهت سلب همت آنان در همانندآوری است به‌گونه‌ای که حال آنان مانند حال کسی است که علمی را فاقد شده باشد که از پیش می‌دانسته است و از این جهت تعجب آن‌ها در معارضه به جهت عدم توانایی‌شان بود مثال معجزه پیامبری که این امکان برایش که در یک ساعت خاص دست خود را بر سرش

می‌گذارد فراهم می‌شود حال آن‌که دیگران همان کار را به غیر از آن لحظه در ساعات دیگر می‌توانند انجام دهند بنابراین تعجب آن‌ها نه از ماهیت کار که از عدم توانایی در آن ساعت و سلب قدرتشان است (جرجانی، *دلائل الإعجاز*، ۲۵۱).

بنابراین فخر رازی به همان صورت نظریه صرفه را رد کرده است که به نظر می‌رسد وی در نقش نه باورمند به عدم تحقق صرفه که به‌عنوان تدوین‌کننده کتاب نقش آفرینی کرده است البته ذکر این نکته راه‌گشا به نظر می‌رسد که فخر در کتاب *نهایة الإیجاز* وجه اعجاز فصاحتی را معقول‌تر دانسته است؛ آن زمان که به شکل برهان‌وار به بررسی و رد برخی اقوال درباره وجه اعجاز قرآن می‌پردازد: «و لم یبق وجه معقول فی الاعجاز سوی الفصاحة» (فخر رازی، *نهایة الإیجاز*، ۲۸).

۲-۳ نوشته‌شدن نهایة الإیجاز پیش از تفسیر کبیر

به‌عنوان دلیل دوم می‌توان گفت نظر به این‌که فخر رازی کتاب *نهایة الإیجاز* را پیش از تفسیرش نگاشته و هم‌چنین این کتاب ترکیب و آمیزه‌ای از دو کتاب جرجانی است به نظر می‌رسد نظر نهایی و صائب فخر رازی را باید در تفسیرش جست. البته برخی پژوهش‌ها حکایت از آن دارد که فخر رازی تنها از جرجانی متأثر نبوده و دارای سبک خاص به خود است به‌گونه‌ای که نوشتن کتاب *نهایة الإیجاز* با هدف پرداختن به اعجاز قرآن مقدمه‌ای برای نوشتن *التفسیر الکبیر* را مهیا نموده است (بنگرید به: طباطبایی و جنتی فر، «بررسی و نقد...»، ۱۸۳-۱۸۴).

برای بررسی دقیق بیان فخر رازی در مسئله صرفه باید به ترتیب جلد‌های *التفسیر الکبیر* محتوای آن درباره صرفه را تحلیل کنیم. داده‌های این تحلیل در جدول شماره ۱ قابل دست‌رسی است. چنان‌که مشاهده می‌شود که فخر رازی ابتدا در جلد دوم به صورت تلویحی نظریه صرفه را می‌پذیرد. سپس در جلد بیست و یکم نیز به این مسئله و وجه اعجاز اشاره کرده و باز تأکید می‌کند این راه از نظر ما به درستی و صحت نزدیک‌تر است اما آن زمان که این بحث را در جلد بیست و هشتم بیان می‌کند پرده از این نظریه بر می‌دارد و آن را به متکلمان نسبت می‌دهد و در نهایت با عبارت «وهذا مذهب بعض المتکلمین ولا فساد فیه وعلی أن یقال هو معجز بهما جمیعا» (فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۲۵۹/۲۸) اعلام می‌دارد که بر این نظریه اشکالی وارد نیست.

شاهد دیگری که می‌تواند این فرضیه که فخر رازی نظریه صرفه را پذیرفته، ۷ مورد از شاخصه‌هایی

است که به زغم وی وجود آن‌ها، فصاحت قرآن را می‌کاهد. وی مواردی چون عدم توصیف مشاهدات، مراعات و التزام به صدق و راستی، عمومیت فصاحت آن، تکرار عبارات قرآن، اهتمام قرآن در تبیین واجبات و اموری از این دست، جامعیت قرآن (تبیین در حوزه‌های گونه‌گون) و مصدریت علوم را اموری می‌داند که نباید در یک کلام فصیح باشد (بنگرید به: فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۲/ ۱۱۵). علی‌رغم وجود این امور، وی باز هم قرآن را معجزه می‌داند. بنابراین به نظر می‌رسد، فخر رازی در مسئله اعجاز قرآن قائل به نظریه صرفه است هر چند در کتاب *نهایة الإیجاز* آن را رد نموده است. فخر رازی همانند نظام، ابوالصلاح حلبی و راغب اصفهانی که علاوه بر پذیرش صرفه به وجوه دیگری از اعجاز قرآن معتقد بودند، به فصاحت در کنار صرفه اذعان داشت.

جدول شماره ۱: محتوای تفسیر کبیر درباره صرفه

نوع پذیرش	متن تفسیری
تلویحی	أن نقول: القرآن لا یخلو إما أن یقال إنه كان بالغا فی الفصاحة إلى حد الإعجاز، أو لم یکن كذلك فإن كان الأول ثبت أنه معجز. وإن كان الثانی كانت المعارضة علی هذا التقدير ممكنة فعدم إتيانهم بالمعاصرة مع كون المعارضة ممكنة ومع توفر دواعیهم علی الإتيان بها أمر خارق العادة فكان ذلك معجزا فثبت أن القرآن معجز علی جميع الوجوه وهذا الطريق عندنا أقرب إلى الصواب (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۲/ ۱۱۶).
تلویحی	القرآن معجز فی نفسه، ومنهم من قال إنه ليس فی نفسه معجزا إلا أنه تعالی لما صرف دواعیهم عن الإتيان بمعارضته مع أن تلك الدواعی كانت قوية كانت هذه الصرفة معجزة والمختار عندنا فی هذا الباب أن نقول القرآن فی نفسه إما أن یكون معجزا أو لا یكون فإن كان معجزا فقد حصل المطلوب، وإن لم یکن معجزا بل كانوا قادرین علی الإتيان بمعارضته وكانت الدواعی متوفرة علی الإتيان بهذه المعارضة وما كان لهم عنها صارف ومانع. وعلی هذا التقدير كان الإتيان بمعارضته واجبا لازما فعدم الإتيان بهذه المعارضة مع التقديرات المذكورة یكون نقضا للعادة فيكون معجزا فهذا هو الطريق الذي نختاره فی هذا الباب (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۲۱/ ۴۶).
اعلام عاری از اشکال بودن	قد ذكرنا أن القرآن معجز ولا شك فيه، فإن الخلق عجزوا عن الإتيان بمثل ما یقرب منه عند التحدی فإما أن یكون كونه معجزا لفصاحته وهو مذهب أكثر أهل السنة وإما أن یكون معجزا لصف الله عقول العقلاء عن الإتيان بمثله، وعقله ألسنتهم عن النطق بما یقرب منه، ومنع القادر من الإتيان بالمقدور كإتيان الواحد بفعل لا یقدر علیه غيره فإن قال لغيره أنا أحرک هذا الجبل یستبعد منه، وكذا إذا قال إني أفعل فعلا لا یقدر الخلق (معه) علی حمل تفاعله من موضعها یستبعد منه علی أن كل واحد فعل معجز إذا اتصل بالدعوى، وهذا مذهب بعض المتكلمين ولا فساد فيه وعلی أن یقال هو معجز بهما جميعا (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۲۸/ ۲۲۲).

نتیجه

فخر رازی در *التفسیر الکبیر*، ضمن ارائه دو راه‌کار حصری، راه‌کار دوم مبنی بر اوج فصاحت قرآن در حد معجزه و هم‌چنین قول به نظریه صرفه را صائب‌تر می‌داند. این در حالی است که پیش‌تر و در کتاب *نهایة الإیجاز* با بیان اقوال دیگران درباره وجوه اعجاز قرآن، آن زمان که نظریه صرفه را یاد می‌کند، آن را با یک دلیل عقلی و دو دلیل تاریخی رد می‌کند. فخر رازی علی‌رغم تأکید بر فصاحت قرآن، به وجوه دیگری از اعجاز قرآن نظیر جامعیت

قرآن، مصدریت قرآن در علوم، تبیین واجبات یا اعجاز هدایتی و تربیتی اشاره می‌کند که وی به آن‌ها باور داشته هر چند ذکر آن را به صورت استطرادی و در راستای تبیین این مسئله که وجود چنین شاخصه‌هایی در قرآن موجب کاستی فصاحت آن شده اما با این وجود، قرآن هم‌چنان معجزه است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخورد دوگانه فخر رازی در نظریه صرفه حکایت از آن دارد که وی در کتاب *نهایة الإیجاز* که آمیزه‌ای از دو کتاب جرجانی است در واقع به نقل باور جرجانی درباره نظریه صرفه پرداخته است که نمونه آن، دلیل اول فخر رازی است که در مقام مقایسه، تکرار عینی عبارت‌های جرجانی در کتاب *دلایل الإعجاز* است.

بر پایه تحلیل محتوای *تفسیر الکبیر* پیرامون نظریه صرفه، مسجل می‌شود که فخر رازی در جلد دوم و بیست و یکم تفسیرش، به صورت تلویحی صرفه را پذیرفته اما در نهایت و در جلد بیست و هشتم آنگاه که نظریه صرفه را به متکلمان نسبت می‌دهد، آن را عاری از فساد دانسته و هر دو وجه اعجاز یعنی فصاحت و صرفه را به‌عنوان وجوه اعجاز قرآن می‌پذیرد.

به‌طور کلی می‌توان گفت فخر رازی علاوه بر فصاحت، قائل به نظریه صرفه است که این مسئله با شواهدی نظیر ماهیت تدوینی و نه تألیفی کتاب *نهایة الإیجاز*، پذیرش تلویحی و در نهایت اعلام خالی از اشکال بودن نظریه صرفه در *التفسیر الکبیر*، و اشاره به شاخصه‌های کاهش دهنده فصاحت کلام (از نظر وی) مثل جامعیت قرآن، مصدریت علوم، عدم پرداختن به مشاهدات و در عین حال معجزه بودن قرآن آشکار می‌شود.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، به کوشش رمزی منیر بعلبکی، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷م.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- ۴- ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم، *تقریب المعارف*، به کوشش فارس حسون، قم، چاپخانه الهادی، ۱۴۱۷ق.
- ۵- اشعری، علی بن اسماعیل، *مقالات الإسلامیین*، ویراسته هلموت ریتز، ویسبادن، فرانتس اشتاینر، ۱۴۰۰ق.
- ۶- جرجانی، حسین بن حسن، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان*، به کوشش میرجلال‌الدین حسینی ارموی و میرهاشم محدث، تهران، سفیر اردهال، ۱۳۹۶ش.
- ۷- جرجانی، عبد القاهر، *دلائل الإعجاز فی علم المعانی*، به کوشش عبدالحمید هنداوای، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ۸- جواهری، سید محمد حسن، «بازخوانی نظریه صرفه»، *قیسات*، سال هفدهم، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۹۱ش.
- ۹- جواهری، سید محمد حسن، *اعجاز و تحدی: پاسخ به شبهات*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷ش.
- ۱۰- خفاجی، عبد الله بن محمد، *سر الفصاحه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۲ق.
- ۱۱- خلیل بن احمد، *العین*، به کوشش مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۰م.
- ۱۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *التفسیر*، به کوشش محمد عبدالعزیز بسیونی زغلول، طنطا، کلیه الآداب، ۱۴۲۰ق.
- ۱۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، به کوشش صفوان عدنان داوودی، بیروت، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.

- ۱۴- سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳ش.
- ۱۵- سلطان، منیر، *عجاز القرآن بین المعتزلة و الأشاعره*، قاهره، منشأة المعارف، ۱۹۸۶م.
- ۱۶- سید مرتضی، علی بن حسین، *الذخیره*، به کوشش سیداحمد حسینی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۳۱ق.
- ۱۷- سید مرتضی، علی بن حسین، *الموضح*، به کوشش محمدرضا انصاری قمی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
- ۱۸- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، *الإتقان*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، هیئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۷۴م.
- ۱۹- طباطبایی، فخرالسادات و جنتی فر، محمد، «بررسی و نقد تأثیر و تأثر امام فخر رازی در مباحث بیان با نگاهی به کتاب *نهاية الإيجاز في دراية الإعجاز*»، پژوهش‌نامه نقد ادب عربی، سال هشتم، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷ش.
- ۲۰- عالی‌پور، عبدالرضا، واعظی، سید حسین و شمشیری، محمدرضا، «اختلاف و اشتراك نظرات فخر رازی و علامه طباطبایی درباره اعجاز قرآن»، *فقه و تاریخ تمدن*، سال پانزدهم، شماره ۴، ۱۳۹۸ش.
- ۲۱- علوی، یحیی بن حمزه، *الطراز*، به کوشش عبدالحمید هنداو، بیروت، المكتبة المصریه، ۱۴۲۹ق.
- ۲۲- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الكبير*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
- ۲۳- فخر رازی، محمد بن عمر، *نهاية الإيجاز في دراية الإعجاز*، بیروت، دار صادر، ۱۴۲۴ق.
- ۲۴- قاضی زاده، کاظم، «نگرشی بر نظریه صرفه»، *نامه مفید*، شماره ۳، ۱۳۷۴ش.
- ۲۵- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳ش.
- ۲۶- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، *منهج الصادقین*، تهران، کتاب‌فروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ش.
- ۲۷- مکارم شیرازی، ناصر، *پیام قرآن*، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۶ش.

- ۲۸- مولایی‌نیا، عزت‌الله و سلیمانی، مرضیه، «بررسی نظریه صرفه در آثار فریقین»،
 مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، سال ششم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش.
- ۲۹- مؤدب، سیدرضا، اعجاز قرآن در نظر اهل بیت عصمت (ع) و بیست نفر از علمای
 بزرگ اسلام، قم، احسن الحدیث، ۱۳۷۹ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

Bibliography

- 1_ The Holy *Qur'an*.
- 2_ Abū al-Ṣalāḥ al-Ḥalabī, Taqī b. Najm, *Taqrib al-Ma'arif*, ed. Fāris Ḥassūn, Qom, Maṭba'a al-Hādī, 1417 AH [Arabic].
- 3_ Al-'Alawī, Yaḥya b. Ḥamza, *Al-Ṭarāz*, ed. 'Abdulḥamīd Hindāwī, Beirut, al-Maktaba al-Miṣriyya, 1429 AH [Arabic].
- 4_ Al-Ash'arī, 'Alī b. Ismā'il, *Maqālāt al-Islāmīyyīn*, ed. Hemllut Ritter, Wiesbaden, Franz Steiner Verlag, 1980 [Arabic].
- 5_ 'Ālīpur, 'Abdorredā, Vā'ezi, Sayyed Ḥoseyn and Shamsḥirī, Moḥammad Reḍā, "Differences and Similarities in the Views of al-Fakhr al-Rāzī and 'Allāma Ṭabāṭabāyī Regarding the Miraculous Nature of the *Qur'an*", *Feqh va Tārikh-e Tamaddon*, vol. 15, no. 4, 1398 SAH [Persian].
- 6_ Al-Jurjānī, 'Abdulqāhir b. 'Abd al-Raḥmān, *Dalā'il al-Iljāz*, ed. 'Abdulḥamīd Hindāwī, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1422 AH [Arabic].
- 7_ Al-Khafāji, 'Abullāh b. Muḥammad, *Sirr al-Faṣāḥa*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1402 AH [Arabic].
- 8_ Al-Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad, *Mufradāt Alfāz al-Qur'an*, Beirut, Al-Dār al-Shāmīyya, 1412 AH [Arabic].
- 9_ Al-Sharīf al-Murtaḍā, 'Alī b. Ḥusayn, *Al-Dbakhīra*, ed. Sayyid Aḥmad Ḥusaynī, Qom, Jamā'a al-Mudarrisīn, 1431 AH [Arabic].
- 10_ Al-Sharīf al-Murtaḍā, 'Alī b. Ḥusayn, *Al-Mūwaddih*, ed. Muḥammad Riḍā al-Anṣārī al-Qummī, Mashhad, Majma' al-Buḥūth al-Islāmīyya, 1424 AH [Arabic].
- 11_ Al-Subḥānī, Ja'far, *Manshūr-e Jāvid*, Qom, Imam Sadīq Foundation, 1383 SAH [Persian].
- 12_ Al-Suyūṭī, 'Abd al-Raḥmān b. Abī Bakr, *Al-Itqān fī Ulūm al-Qur'an*, Beirut, Dār al-Kitāb al-'Arabī, 1974 [Arabic].
- 13_ Fakhr al-Dīn al-Rāzī, Muḥammad b. 'Umar, *Al-Tafsīr al-Kabīr*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1411AH [Arabic].
- 14_ Fakhr al-Dīn al-Rāzī, Muḥammad b. 'Umar, *Nihāya al-'Ījāz fī Dirāya al-Iljāz*, Beirut, Dār Ṣādir, 1424 AH [Arabic].
- 15_ Ibn Durayd, Muḥammad b. Ḥasan, *Jumbura al-Lughba*, Beirut, Dār al-'Ilm

- li-al-Malāyīn, 1988 [Arabic].
- 16_ Ibn Manẓūr, Muḥammad b. Mukarram, *Lisān al-ʿArab*, Beirut, Dār Ṣādir, 1414 AH [Arabic].
 - 17_ Javāherī, Sayyed Moḥammad Ḥasan, “Revisiting the Theory of Ṣarfā”, *Qabasāt*, vol. 17, issue 66, 1391 SAH [Persian].
 - 18_ Javāherī, Sayyed Moḥammad Ḥasan, *Miracles and Challenge: Responses to Doubts*, Tehran, Publication Organization of the Research Institute for Islamic Culture and Thought, 1397 SAH [Persian].
 - 19_ Jorjānī, Ḥusayn b. Ḥasan, *Jalā’ al-Aḍbbān wa Jalā’ al-Aḥzān*, ed. Mīr Jalāl al-Dīn Ḥoseynī Urmavī and Mīr Hāshem Moḥaddeth, Tehran, Safir-e Ardahāl, 1396 SH [Arabic].
 - 20_ Kāshānī, Fatḥullāh b. Shukrullāh, *Manhaj al-Ṣādiqīn*, Tehran, Moḥammad Ḥasan ‘Elmī Book Store, 1336 SAH [Arabic].
 - 21_ Khalīl b. Aḥmad, *Al-ʿAyn*, ed. Mahdī makhzūmī and Ibrāhīm Sāmīrrā’ī, Beirut, Dār wa maktaba al-Hilāl, 1980 [Arabic].
 - 22_ Makārem Shīrāzī, Nāṣer, *Payām-e Qur’ān*, Tehran, Islāmīyya, 1386 SAH [Persian].
 - 23_ Mo’addab, Sayyed Reḍā, *The Miraculous Nature of the Qur’ān According to the Abl al-Bayt and Twenty Prominent Islamic Scholars*, Qom, Aḥsan al-Ḥadīth, 1379 SAH [Persian].
 - 24_ Mowlāyīnīyā, ‘Ezzatollāh and Soleymānī, Marḍīyye, “A Study of the Theory of Ṣarfā in the Works of Both Islamic Denominations”, *Comparative Studies of the Qur’ān and Hadīth*, vol. 6, issue 11, 1397 SAH [Persian].
 - 25_ Qāzīzāde, Kāzem, “A Perspective on the ‘Theory of al-Ṣarfā”, *Nāme-ye Mofīd*, vol. 3, 1374 SH [Persian].
 - 26_ Qerā’atī, Moḥsen, *Tafsīr-e Nūr*, Tehran, Cultural Center of Lessons of the Qur’ān, 1383 SAH [Persian].
 - 27_ Rāghīb Iṣfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad, *Al-Tafsīr*, Ṭāntā, Kullīyya al-Ādāb, 1420 AH [Arabic].
 - 28_ Sulṭān, Munīr, *Ijāz al-Qur’ān bayn al-Mu’tazila wa al-Ashā’ira*, Cairo, Mansha’a al-Ma’arif, 1986 [Arabic].
 - 29_ Ṭabāṭabāyī, Fakhr al-Sādāt and Jannatīfar, Moḥammad, “Investigation and

Critique of the Influence and Effect of Imam Al-Fakhr al-Rāzī on the Expression Topics with the Approach of the *Nibāya Al-Ījāz Fī Dirāya Al-Ijāz*”, *Arabic Literature Bulletin*, vol. 8, issue 17, 1397 SAH [Persian].

